

ظهور و تکامل نظام حقوق مالکیت صنعتی ژاپن

■ پریسا ریاحی

دانشجوی دکتری سیاستگذاری علم و فناوری
دانشگاه تربیت مدرس ایران
parisa.riahi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۴/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۷/۱۷

چکیده

تأثیر حقوق مالکیت فکری بر نوآوری و عملکرد اقتصادی پیچیده است و دقت در طراحی نظام مالکیت فکری به نحوی که بتواند به عنوان ابزار سیاستی مؤثری در توسعه اقتصادی استفاده شود، ضروری است. در طراحی این نظام‌ها، کشورهای مختلف بسته به شرایط داخلی و محیط جهانی مسیرهای متفاوتی را می‌پیمایند. از این رو، ارزیابی‌های مقایسه‌ای و محک‌زنی، در بیشتر پژوهش‌های سیاستی مورد استفاده سیاستگذاران قرار می‌گیرد. این مقاله به همین منظور به مطالعه موردی مراحل تکامل نظام مالکیت صنعتی در ژاپن پرداخته و در انتها شامل توصیه‌هایی جهت طراحی راهبردی این نظام در ایران است. ژاپن در مراحل اولیه توسعه خود از نظام حقوقی مالکیت صنعتی سود فراوانی برده است. یادگیری فناورانه در ژاپن به پشتیبانی "نظام ضعیف مالکیت صنعتی" صورت گرفت. این نظام ضعیف، جذب نوآوری و دانش برون مرزی توسط بنگاه‌های داخلی را تسهیل کرد. ابتکاراتی نظیر ثبت "مدل‌های سودمند" و "طرح‌های صنعتی" نه تنها فرهنگ ثبت اختراع را در این کشور توسعه داد بلکه مشوقی قوی برای نوآوری‌های تدریجی و بهبودهای حداقلی بر پایه اختراعات خارجی شد. زمانی که قابلیت‌های فناورانه بنگاه‌های داخلی افزایش یافت و بنگاه‌ها خواستار رژیم حفاظتی قویتر برای اختراعات خود شدند، نظام حقوق مالکیت فکری ژاپن تقویت شد به طوری که در حال حاضر یکی از سخت‌ترین و کامل‌ترین نظام‌های IPR جهان به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی

حقوق مالکیت فکری، مالکیت صنعتی، سیاست نوآوری، ژاپن.

مقدمه

قوانین مالکیت فکری، در آغاز به عنوان ابزار مشوق مخترعین و مبتکرین محصولات فکری مطرح شدند. در مباحث اولیه، از آنجا که دانش، کالایی عمومی شناخته می‌شد و ریسک انتشار بالایی داشت، بنگاه‌های بخش خصوصی علاقه چندانی به فعالیت‌های پرهزینه و زمانبر تحقیق و توسعه نشان نمی‌دادند. از این رو قوانین مالکیت فکری و به ویژه مالکیت صنعتی در مقابله با این نوع از شکست بازار طراحی شدند. حفاظت از اختراعات و ابزارهای برخورد با تخلف و تعرض ریسک سرمایه‌گذاری‌های تحقیق و توسعه را کاهش می‌دهد. به مرور سیاستگذاران از این ابزار نه تنها به عنوان ابزار مشوق بلکه به عنوان ابزاری برای انتشار دانش استفاده کردند. نظام مالکیت فکری معامله‌ای دوسویه را رقم می‌زند: "مخترع" از قدرت مقابله با متعرضین به محصول فکری خود و "جامعه" از افشاء و انتشار دانش تولید شده بهره‌مند می‌شود. در عین حال، نظام مالکیت فکری الزاماً منجر به توسعه نوآوری از طریق انتشار دانش نمی‌شود و طراحی نامناسب آن می‌تواند بازدارنده نوآوری، به عنوان مثال از طریق ایجاد انحصار یا مقادیر انبوه گواهی‌های کم ارزش شود [۱-۳].

تأثیر حقوق مالکیت فکری بر نوآوری و عملکرد اقتصادی پیچیده است و دقت در طراحی نظام مالکیت فکری به نحوی که بتواند به عنوان ابزار سیاستی مؤثری در توسعه اقتصادی استفاده شود، ضروری است [۳]. از آنجا که در طراحی این نظام‌ها، کشورهای مختلف بسته به شرایط داخلی و محیط جهانی مسیرهای متفاوتی را می‌پیمایند، نمی‌توان ادعا کرد که راه حلی جامع و مناسب برای همه وجود دارد. توصیه‌های

سازمان‌های جهانی نظیر WIPO نیز صرفاً مواردی را به عنوان الگوی اولیه ارائه می‌نمایند. لذا ارزیابی‌های مقایسه‌ای و محک زنی، روش‌شناسی است که در بیشتر پژوهش‌های سیاستی مورد استفاده سیاستگذاران قرار می‌گیرد. این مقاله به همین منظور به مطالعه موردی مراحل تکامل نظام مالکیت صنعتی در ژاپن می‌پردازد. این پژوهش توصیفی بوده و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. ژاپن کشوری است که در مراحل اولیه توسعه خود از نظام حقوقی مالکیت صنعتی سود فراوانی برده است. طراحی و تکامل نظام حفاظت از مالکیت فکری در این کشور به گونه‌ای هدفمند و به قصد کمک به توسعه صنعتی صورت گرفته [۴-۷] و لذا مطالعه سیر تکاملی این نظام، برای کشورهای در حال توسعه مفید و حاوی نکات آموزنده‌ای است. یادگیری فناورانه در ژاپن به پشتیبانی نظام ضعیفی از مالکیت صنعتی صورت گرفت. این نظام ضعیف، جذب نوآوری و دانش برون مرزی توسط بنگاه‌های داخلی را تسهیل کرد. ابتکاراتی نظیر ثبت اختراع "مدل‌های سودمند" و "طرح‌های صنعتی" نه تنها فرهنگ ثبت اختراع را در این کشور توسعه داد بلکه مشوقی قوی برای نوآوری‌های تدریجی و بهبودهای حداقلی بر پایه اختراعات خارجی شد. زمانی که قابلیت‌های فناورانه بنگاه‌های داخلی، افزایش یافت و بنگاه‌ها خواستار رژیم حفاظتی قوی‌تر برای اختراعات خود شدند، نظام حقوق مالکیت فکری ژاپن تقویت شد و در حال حاضر یکی از سخت‌ترین و کامل‌ترین نظام‌های IPR^۱ جهان به شمار می‌آید [۴]. در ادامه ابتدا مروری

تاریخی بر سیر تحولات نظام مالکیت صنعتی ژاپن خواهیم داشت. سپس با اشاره به برخی از مهمترین موضوعات مطرح در نظام‌های مالکیت صنعتی، روند تکاملی هر موضوع را جداگانه تحلیل خواهیم کرد.

مروری تاریخی بر سیر تحولات نظام مالکیت فکری ژاپن

تحولات نظام مالکیت صنعتی را نمی‌توان فارغ از مطالعه تحولات صنعتی مورد بررسی قرار داد. از این رو بررسی اجمالی روند تکامل صنعت ژاپن ضروری است. ژاپن کشوری است که در حدود دو قرن در انزوا به سر می‌برده و پس از آن تلاش‌های سخت و سنگینی برای جبران عقب‌ماندگی فناوری خود انجام داده است [۸]. دوران قبل از شکوفایی صنعتی ژاپن (دهه ۱۹۷۰) را می‌توان به سه دوره تاریخی عصر توکوگاوا^۲ و پیش از آن (تا ۱۸۶۸)، عصر میجی^۳ تا جنگ‌های جهانی (۱۹۱۱-۱۸۶۸) و دوران پس از جنگ (تا ۱۹۷۰) تقسیم کرد. در ادامه خصوصیات این سه دوران به اجمال مرور می‌شود:

عصر توکوگاوا و پیش از آن (تا ۱۸۶۸)

پیش از دوره توکوگاوا، ژاپن شاهد دو دوران واردات کلان فناوری بود [۸]. اولی طی قرون هفتم تا نهم میلادی بود که امپراطوری ژاپن نمایندگانی را به چین فرستاد و مهاجرت از چین و کره به ژاپن نیز افزایش یافت. دوره دوم، قرن شانزدهم بود که پرتغالی‌ها اسلحه گرم را به ژاپن آوردند. در آن زمان، ژاپن درگیر جنگ‌های مدنی بود و تقاضای زیاد برای اسلحه، باعث شد تعدادی

از آهنگران ژاپنی از طریق نسخه‌برداری و یا با کمک آهنگران پرتغالی به تولید اسلحه بپردازند. در دوره توکوگاوا، ترس از نقض قوانین توسط مسیحیان باعث قطع روابط با بیشتر کشورهای خارجی و انزوای ژاپن شد. تجارت خارجی محدود به چین و هلند شد. هلندی‌ها که تنها کانال ارتباطی ژاپنی‌ها با غربی‌ها بودند، در ناکاساکی زندگی می‌کردند و تجارت با آنها نیز به طور انحصاری در دست برخی از اربابان فئودال بود. هلندی‌ها به درخواست دولت، اخبار کار و بار و علم خارجی‌ها را به طور منظم ارائه می‌کردند. آنها منبع اصلی اطلاعات در بسیاری از جوانب علم و فناوری نظیر علم پزشکی، بیولوژی و جغرافیا بودند. بسیاری از کتاب‌های هلندی به ژاپنی ترجمه می‌شد و بسیاری از ژاپنی‌ها نیز تحت تعلیم پزشکان و دانشمندان هلندی قرار می‌گرفتند. بنابراین انزوای ژاپن به معنای انزوای کامل از علم و اطلاعات فناوری خارجی نبود. دانش غربی از طریق هلندی‌ها در ژاپن انباشت و توزیع می‌شد. به عنوان مثال اولین کوره آهنگری به سبک غربی‌ها توسط یک سامورایی با مطالعه کتابی هلندی ساخته شد.

در این عصر، فناوری داخلی نیز ایستا نبود. آب و معدن برای اربابان فئودال اهمیت مالی بالایی داشت و به دلیل شرایط محلی (جریان پرشیب رودخانه‌ها، فصل پر باران بهار و به دنبال آن دو فصل توفانی)، آنها سرمایه‌گذاری زیادی در جهت بهبود سیستم آبیاری انجام می‌دادند. سطح فناوری داخلی در حوزه‌های ساختمان و ماشین‌آلات نیز بالا بود [۸]. در این دوران نیازی به حفاظت از مالکیت صنعتی احساس نمی‌شد.

1. Utility Models
2. Intellectual Property Rights

3. Tokugawa
4. Meiji

عصر میجی (۱۸۶۸-۱۹۱۱)

استقرار میجی در سال ۱۸۶۸، پایان دوران انزوای ژاپن بود [۸]. دولت جدید، دولتی غیرفئودال بود و رهبران آن متوجه عقب‌ماندگی اقتصادی و دفاعی ژاپن از کشورهای غربی شدند. انگیزه دولت و مردم ژاپن برای جبران عقب‌ماندگی^۱ و واردات فناوری‌های پیشرفته خارجی بالا بود. لذا دولت مدرن‌سازی را با تلاشی سازماندهی شده آغاز کرد. در اوایل دوران میجی، مخصوصاً در دهه‌های ۱۸۷۰ و ۱۸۸۰ با وجودی که ۹۰٪ مردم به فعالیت‌های کشاورزی مشغول بودند، کارخانجاتی با سرمایه و مالکیت دولت در صنایع نوین آن روز نظیر معدن، راه آهن، کشتی‌سازی، ماشین‌آلات و نساجی تأسیس شد. در آن زمان بخش خصوصی فاقد سرمایه و پرسنلی بود که دارای دانش فناوری پیشرفته غربی باشند. تولیدات نظامی بخش قابل توجهی از اقتصاد ژاپن را تشکیل داد. دو دهه پس از آن اقتصاد ژاپن شروع به رشد کرد به طوری که طی دوره‌های ۳۰ساله (۱۹۱۴-۱۸۸۵)، تولید ناخالص داخلی دو برابر شد. ساختار صنعت ژاپن متشکل از صنایع غذایی، نساجی، صنایع فلزی، ماشین‌آلات و صنایع شیمیایی بود. در این دوران از تمام روش‌های انتقال و انتشار علم و فناوری نظیر انتقال اطلاعات مکتوب، افراد، کالا و سرمایه استفاده شد. در کنار واردات ماشین‌آلات پیشرفته و مهندسی معکوس، قراردادهای لیسانس و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هم وجود داشت که برای پیشبرد دو مورد آخری، علاوه بر آزادسازی سرمایه‌گذاری خارجی، پیوستن به کنوانسیون پاریس و به رسمیت شناختن حقوق مالکیت

فکری ضروری بود. از این رو نظام مالکیت صنعتی ژاپن در ۱۸۸۵ توسط قانون انحصار پتنت ایجاد شد [۸]. این نظام با هدف کمک به توسعه صنعتی طراحی شده بود و لذا ویژگی‌های خاصی داشت که به سرریز دانش فناورانه خارجی و جذب آن توسط بنگاه‌های داخلی کمک می‌کرد. به عنوان مثال، حفاظت مالکیت صنعتی شامل غذا، نوشیدنی، محصولات دارویی و ترکیبات شیمیایی که بخش زیادی از صنایع داخلی را تشکیل می‌دادند، نمی‌شد. این تصمیم برای تسهیل در نوآوری‌های فرایندی اتخاذ شده بود [۴]. در ۱۹۰۵ برای تشویق بنگاه‌های داخلی به بهبودهای کوچک بر پایه اختراعات خارجی (ماشین‌آلات و تجهیزات)، قانون "مدل‌های سودمند" (Utility Models) و همین‌طور حفاظت از طرح صنعتی تصویب شد. ضوابط اعطاء گواهی ثبت اختراع مدل‌های سودمند، ساده‌تر از پتنت است و دوره حفاظت آن هم کوتاه‌تر است. در اینگونه از حفاظت، جنبه کارکردی محصول مورد حفاظت قرار می‌گیرد و از این نظر با طرح صنعتی که در آن ظاهر بیرونی محصول حمایت می‌شود، متفاوت است. این نوع گواهی‌ها عمدتاً به ژاپنی‌ها داده می‌شد^۲ و بدین طریق هم بهبودهای کوچک و حداقلی و نوآوری‌های کوچک و تدریجی توسط شرکت‌های محلی تشویق شد و هم فرهنگ مالکیت صنعتی توسعه داده شد [۴، ۵]. از دیگر ویژگی‌های این قانون، صدور مجوز (لیسانس یا پروانه بهره‌برداری) اجباری بود. در صورتی که محصول/فرایند پتنت شده، برای بیش از سه سال مداوم تولید نشده یا به کار گرفته نشده بود و یا تشخیص منفعت عمومی

داده می‌شد، دولت می‌توانست مجوز آن را به دیگری واگذار کند.

دوران پس از جنگ (تا ۱۹۷۰)

در دوران جنگ (۱۹۴۵-۱۹۱۴)، که شامل دو جنگ جهانی و جنگ چین و ژاپن (۱۹۳۷) بود، رشد فناوری در بنگاه‌های خصوصی ادامه داشت اما جریان فناوری از خارج مخصوصاً طی جنگ جهانی دوم متوقف شد. این توقف اگر چه فاصله فناوری بین ژاپن و غربی‌ها در صنایع دفاعی نظیر صنایع هوایی و کشتیرانی را زیاد کرد اما باعث افزایش تلاش‌های R&D در بنگاه‌های خصوصی شد. جنگ جهانی دوم تأثیری منفی بر اقتصاد ژاپن داشت. بسیاری از کارخانجات و تجهیزات در اثر بمباران‌های زمان جنگ تخریب شد. با این حال، بیش از دو سوم ظرفیت تولید در بیشتر صنایع سنگین سالم مانده بود. هزینه‌های دفاعی ژاپن پس از جنگ عملاً به صفر رسید. در عوض بیشتر منابع آن به بخش تولید غیرنظامی انتقال پیدا کرد و طی ۵ سال ژاپن توانست مجدداً سطح تولید خود را به سطح قبل از جنگ برساند. از اواسط دهه ۵۰ تا اوایل دهه ۷۰، رشد اقتصادی ژاپن به متوسط سالانه ۱۰٪ رسید که نتیجه انباشت سرمایه همراه با پیشرفت فناوری بود [۴]. پس از جنگ، ژاپن مجدداً فرایند جبران عقب‌ماندگی فناوری را آغاز کرد، منتهی این بار با روشی متفاوت از عصر میجی. تمرکز ژاپن این بار بر واردات فناوری پیشرفته و ارتقاء فناوری داخلی بود. واردات و سرمایه‌گذاری مستقیم محدود شد. واردات فقط در مورد فناوری پیشرفته مجاز بود. این امر تا دهه ۶۰ ادامه داشت. به

1. Catch-up

۲- از این نوع حفاظت تحت نام‌های مختلفی یاد می‌شود. مانند: Petty Patents, Small Patents, Utility Innovations, Utility Certificates, Innovation Certificates

۳- طی دوره ۱۹۰۵-۱۹۷۹، ۹۹/۹٪ از گواهی‌های مدل سودمند به ژاپنی‌ها اعطا شده بود.

سختی می‌توان چنین سیاستی را ارزیابی کرد. درست زمانی که ژاپن به سرمایه‌گذاری نیاز داشت، از جریان سرمایه توسط بنگاه‌های خارجی جلوگیری شد. تنها توجیهی که می‌توان برای موفقیت آن آورد، اشتیاق بنگاه‌ها برای واردات فناوری بود. بنگاه‌ها فناوری را وارد می‌کردند و همان محصولات را که قبلاً وارد می‌شد، تولید می‌کردند. البته نباید فراموش کرد که پایه فناوری ژاپن قبل از جنگ به وضعیت خوبی رسیده بود و در دوران جنگ و پس از آن نیز فعالیت‌های R&D در بخش غیرنظامی تقویت شده بود. سیاست جایگزینی واردات باعث افزایش صادرات شد و بنگاه‌های خصوصی که در رقابت فزاینده با سایر بنگاه‌های ژاپنی و غیرژاپنی قرار گرفته بودند، حالا نیاز به حفاظت بیشتر از اختراعات و محصولات خود داشتند [۴، ۸]. دیگر زمان تقویت فناوری‌های داخلی ژاپن فرارسیده بود.

شکوفایی صنعتی ژاپن (پس از دهه ۱۹۷۰)

در دهه ۱۹۷۰، بنگاه‌های ژاپنی در رقابت جهانی قرار گرفته بودند و قابلیت فناورانه خود را به حد کافی بالا برده بودند و از این رو نیاز به حفاظت قوی‌تری برای فعالیت‌های نوآورانه خود داشتند. در ۱۹۷۴ انجمن پتنت ژاپن نظرسنجی در میان اعضای خود برای حفاظت از مالکیت صنعتی محصولات شیمیایی صورت داد. ۶۰٪ بنگاه‌ها موافقت کردند و فقط ۶٪ مخالف بودند. در پی این پشتیبانی قوی از سوی صنعت، دولت ژاپن محصولات شیمیایی و دارویی را نیز در قانون مالکیت صنعتی گنجانده. اصلاح قانون در سال ۱۹۷۵ انجام شد. پس از دهه ۷۰، اصلاحات

زیادی در قانون مالکیت صنعتی ژاپن ایجاد شد که بخشی برای تقویت حفاظت از بنگاه‌های داخلی، بخشی برای تقویت فرایند انتشار اطلاعات و یادگیری بنگاه‌ها و بخشی به دلیل فشارهای خارجی صورت گرفت. لازم به ذکر است، علیرغم ورود بنگاه‌های ژاپنی به عرصه رقابت‌های بین‌المللی، تا دهه ۹۰ ژاپن هنوز مصرف‌کننده فناوری‌های خارجی بود. در سال ۱۹۷۳ نسبت پرداخت‌ها به دریافت‌های روایتی در تراز پرداخت‌های فناوری ژاپن بیش از ۴ بود. اما این نسبت در ۱۹۹۴ نزدیک به وضعیت تعادل قرار گرفت. در آن هنگام، ژاپن به موقعیتی نسبی به عنوان ارائه دهنده فناوری رسیده بود [۵]. اگر چه از لحاظ اقتصادی در وضعیت رکود قرار داشت و به همین دلیل تحریک بیشتر صنایع به نوآوری، برای خروج از این وضعیت ضروری بود [۷].

در ۱۹۹۴، ژاپن تحت فشارهای خارجی، توافق‌نامه‌ای را با آمریکا امضا نمود و متعهد به اصلاح سیستم مالکیت صنعتی خود شد. مهمترین تعهدات ژاپن در زمینه تغییر رویکرد از سیستم اعتراض "قبل از اعطا" به "بعد از اعطا"، اصلاح صدور مجوز اجباری به نحوی که فقط با اهداف "مقابل با اعمال ضدرقابتی" یا "منفعت عمومی" صورت گیرد و توسعه سیستم پیگیری سریع آزمون پتنت بود. در عوض آمریکا نیز ملزم به افشاء اولیه درخواست پتنت و آزمون مجدد شد.

در دهه اول ۲۰۰۰، اصلاحات سیستم مالکیت صنعتی ژاپن عمیق و گسترده شد. ستاد سیاست مالکیت فکری زیر نظر نخست وزیر در سال ۲۰۰۲ ایجاد شد و مطابق با اولین برنامه راهبردی مالکیت

فکری در سال ۲۰۰۳ [۹]، مجموعه‌ای از برنامه‌های عملیاتی پیاده‌سازی شد. چشم‌انداز ژاپن به عنوان "ملتی بر پایه مالکیت فکری" که در این چارچوب مورد توجه قرار گرفت، به مفهوم جهت‌گیری صریح به سمت خلاقیت و اختراع بود. وزارتخانه‌های مختلفی تحت راهبری ستاد سیاست مالکیت فکری درگیر پیاده‌سازی این برنامه‌ها شدند. برنامه‌ها پنج حوزه را در بر می‌گیرند: خلق، حفاظت، بهره‌برداری، حفاظت از محتوای رسانه و منابع انسانی. در پی آن قانون اساسی مالکیت فکری ژاپن در سال ۲۰۰۳ به تصویب رسید [۱۰] و دادگاه عالی مالکیت فکری در ۲۰۰۵ فعالیت خود را آغاز کرد. قانون اساسی مالکیت فکری برخلاف قوانین متداول مالکیت فکری، به حقوق خصوصی نمی‌پردازد بلکه جهت‌گیری‌های سیاستی مالکیت فکری را تعیین کرده و مأموریت‌هایی را بر پایه راهبرد ملی ژاپن مطرح می‌نماید. بازسازی نظام مالکیت فکری ژاپن فقط شامل بازبینی قوانین نشد و شامل ساز و کارهای ضمانت اجرای قوانین و نیز نظام آموزشی متخصصان مالکیت فکری نیز شد [۱۱]. در حال حاضر نظام مالکیت صنعتی ژاپن تبدیل به یکی از سخت‌گیرانه‌ترین نظام‌های مالکیت صنعتی در جهان شده است.

جدول ۱ روند تاریخی تغییرات در قانون مالکیت صنعتی ژاپن را ارائه می‌کند. در ادامه به صورت جداگانه به موضوعات مطرح در نظام مالکیت فکری و شیوه برخورد ژاپن با هر یک خواهیم پرداخت.

جدول ۱- روند تغییرات در قانون مالکیت صنعتی ژاپن
(برگرفته از [۱۲] با برخی اضافات حاصل مطالعات نویسنده این مقاله)

۱۸۸۵	ایجاد نظام مالکیت صنعتی ژاپن توسط قانون انحصار پتنت
۱۹۰۵	تصویب قانون حفاظت از "مدلهای سودمند" و "طرح صنعتی"
۱۹۲۱	تغییر رویکرد از "اولین اختراع" به "اولین ثبت"
۱۹۶۰	تغییر مدت زمان حفاظت از ۱۵ سال از زمان انتشار به ۲۰ سال از زمان درخواست شمول انتشار در کشور خارجی به مجموعه Prior Art
۱۹۷۱	انتشار و افشاء عمومی، ۱۸ ماه پس از ثبت درخواست ۷ سال مهلت درخواست آزمون ماهوی
۱۹۷۵	افزودن محصولات شیمیایی، دارویی و غذا در مجموعه محصولات قابل پتنت ایجاد امکان ارائه چند ادعا در یک درخواست
۱۹۷۸	ورود به PCT
۱۹۸۵	حق تقدم داخلی
۱۹۸۸	افزایش هزینه های ثبت و نگهداری سالانه، به نسبت تعداد ادعاهای درج شده در پتنت
۱۹۹۳	شناخت اختراعاتی که کاربرد سخت افزاری دارند به عنوان موارد استفاده ققون طبیعی
۱۹۹۴	موافقتنامه آمریکا-ژاپن در مورد اصلاح نظام مالکیت صنعتی دو کشور کاهش مدت حفاظت از مدل سودمند به ۶ سال و بدون نیاز به آزمون ماهوی
۱۹۹۵	پیوستن به معاهده TRIPs قلیل پتنت شناخته شدن موادی که حاصل دگرگونی اتمی هستند
۱۹۹۶	تغییر رویکرد از سیستم اعتراض "قبل از اعطا" به "بعد از اعطا"
۱۹۹۷	قابل پتنت شناخته شدن نرم افزارهای کامپیوتری به شرط ذخیره شدن بر روی رسانه ذخیره سازی که توسط کامپیوتر قابل خواندن باشد.
۱۹۹۸	کاهش مقرری سالانه برای پتنت های قدیمی تر تقویت نظام بازداری از تخلف از طریق بازنگری در میزان خسارت و رویالتی
۱۹۹۹	فرض می شود درخواستهایی که قبل از انتشار صرفنظر یا رد نهایی شده اند، هرگز ثبت نشده اند. تصویب نسخه ژاپنی قانون Bayh-Dole (به عنوان بخشی از قانون ویژه تجدید حیات صنعتی) [۱۱]
۲۰۰۰	مطلق شدن پداعت
۲۰۰۱	قابل پتنت شدن برنامه های کامپیوتری محدود شدن مهلت درخواست آزمون ماهوی به ۳ سال
۲۰۰۲	ایجاد ستاد سیاست مالکیت فکری قابل پتنت شدن برنامه های کامپیوتری مبتنی بر خطوط ارتباط الکترونیکی
۲۰۰۳	اولین برنامه استراتژیک مالکیت فکری تصویب قانون اساسی مالکیت فکری
۲۰۰۴	لغو نظام اعتراض پس از اعطا و ادغام آن در نظام جدید سنجش عدم اعتبار افزایش هزینه های آزمون و کاهش هزینه ثبت
۲۰۰۵	تأسیس دادگاه عالی مالکیت فکری (IPHC) افزایش زمان مدت حفاظت از مدل سودمند به ۱۰ سال اصلاح ضابطه اختراع توسط مستخدم
۲۰۰۷	اصلاح امتیازهای سلبی: working شامل صادرات هم می شود (بخش ۲ قانون مالکیت فکری)
۲۰۰۹	تغییر مدت استیناف به ۳ ماه پس از تصمیم رد درخواست (بعلاوه یک ماه برای فردی که ساکن خارج است)

ویژگی های نظام مالکیت صنعتی ژاپن

افشاء عمومی

نظام مالکیت صنعتی ژاپن از ابتدا به عنوان ساز و کاری برای پیشبرد انتشار و بهره‌برداری مورد استفاده قرار گرفت [۱۳] و در طراحی و اصلاحات بعدی آن همیشه به نحوی عمل شده تا این نظام به توسعه قابلیت‌های صنعتی و فناوری بنگاه‌های ژاپنی و از آن طریق به توسعه اقتصادی ژاپن کمک نماید. این نظام برای بنگاه‌های ژاپنی منبع مهم اطلاعات R&D است [۱] و در راهبرد نوآوری بنگاه‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند [۷] زیرا در مراحل نسبتاً اولیه فرایند تجاری‌سازی اختراع، اطلاعات فنی اختراع را در اختیار عموم می‌گذارد. در ماده ۱ قانون انحصار پتنت و ماده ۱ قانون مدل سودمند سال ۱۹۶۰، هدف از قانون، پیشبرد توسعه صنعتی از طریق تشویق حفاظت و بهره‌برداری از اختراعات و به کارگیری دستگاه‌ها ذکر شده بود (به نقل از [۵]). در ماده ۱ قانون اساسی مالکیت فکری سال ۲۰۰۰ نیز هدف از قانون، تحقق اقتصاد و جامعه‌ای پویا بر پایه خلق ارزش افزوده از طریق خلق مالکیت فکری و بهره‌برداری از آن در جهت تقویت رقابت‌پذیری بین‌المللی ذکر شده است [۱۰]. این مواد اشاره‌ای به حقوق مخترع یا حقوق انحصاری ندارند، بلکه اختراع را به منزله کالایی عمومی در دسترس عموم دیده [۵] و هدف از آن را تقویت رقابت‌پذیری می‌دانند.

در نظام مالکیت صنعتی، لازم است تا اطلاعات و جزئیات مربوط به اختراعات توسط افشاء از طریق رسانه عمومی منتشر شود. هر چه افشاء عمومی زودتر انجام شود و هرچه مشخصات فنی

با جزئیات بیشتری ارائه شود، بنگاه‌های رقیب از این رو قانون افشاء عمومی به انتشار فناوری ساده‌تر و سریع‌تر می‌توانند به یادگیری فناورانه و اختراع بر پایه بهبودهای اختراع اصلی بپردازند. پتنت، بنگاه‌های رقیب فرصت تصمیم‌گیری برای کمک می‌کند. با افشاء عمومی قبل از اعطاء پتنت، بنگاه‌های رقیب فرصت تصمیم‌گیری برای

سرمایه‌گذاری دارند. با این روش، عدم اطمینان سرمایه‌گذاری به حداقل می‌رسد چون از تکرار سرمایه‌گذاری در R&D پروژه‌های خاص جلوگیری می‌شود. علاوه بر آن اختراعات، سریع‌تر تبدیل به دانش عمومی شده و خیلی زود به داخل جامعه علمی و فناوری نفوذ می‌کند. از سال ۱۹۷۱ درخواست‌های اختراع در ژاپن ۱۸ ماه پس از ثبت از طریق رسانه عمومی انتشار پیدا می‌کنند و در این زمان معمولاً هنوز پتنت به درخواست کننده اعطا نشده است. در حالی که تا سال ۱۹۹۴ در آمریکا افشاء عمومی پس از اعطاء پتنت صورت می‌گرفت.

در ژاپن، کاربردهای مدل سودمند و طرح صنعتی کانال‌های مؤثری در انتشار فناوری بوده‌اند. افشاء عمومی زودهنگام در موفقیت این دو نوع کاربرد نقش بزرگی داشته است. این نظام مخصوصاً قبل از سال‌های ۹۰، به بنگاه‌های ژاپنی اجازه می‌داد تا حتی قبل از اعطاء پتنت به اختراع اصلی، قادر به کسب مالکیت اختراعات کوچکی شوند که کمی نسبت به اختراع اصلی، در کارکرد (مدل سودمند) یا در شکل ظاهری (طرح صنعتی)، تعدیل شده بودند. به عبارتی بنگاه‌ها می‌توانستند مدتی بدون پرداخت رویالتی از اختراع اصلی استفاده کنند. بنگاه‌ها پس از کسب پتنت توسط مخترع اصلی، با حق رویالتی کمتری می‌توانستند لیسانس آن را کسب کنند و یا به لیسانس متقابل بپردازند. در ژاپن این روش باعث شد که لیسانس متقابل به طور قابل توجهی بین بنگاه‌های رقیب مبادله شود که خود مسیر دیگری برای انتشار سریع و گسترده دانش و فناوری است [۵].

قانون افشاء عمومی در نظام مالکیت صنعتی ژاپن از سال ۱۹۷۱ به دلیل اهمیت انتشار اطلاعات اختراعات در این کشور تغییر نکرده است و در برنامه‌های راهبردی مالکیت فکری ژاپن، بر ایجاد و انتشار اطلاعات تأکید شدیدتری نیز شده است. تنها اصلاح صورت گرفته در مورد عدم به کارگیری اطلاعات افشاء شده درخواست‌های مردودی در رد درخواست‌های بعدی پس از سال ۱۹۹۹ است. مطابق با این اصلاحیه حتی اگر اطلاعات درخواست مردود شده انتشار عمومی نیز پیدا کرده باشد، پس از رد درخواست فرض می‌شود این درخواست هیچگاه ثبت نشده است.

محدودیت تعداد ادعا

ادعاها، گستره‌ای را که پتنت تحت حفاظت خود دارد و فعالیت‌های مجاز در کاربرد اطلاعات پتنت را تعریف می‌نمایند. از این رو در نظام‌های مالکیت صنعتی تلاش می‌شود تا تعداد ادعا در یک پتنت برای جلوگیری از وضعیت انحصار زیاد نباشد. اما محدودیت در تعداد ادعا اگر همراه با استاندارد پایین در بدیع بودن شود و در مورد مهندسی معکوس رفتار آزاد منشانه‌ای داشته باشد، مشوق اختراعات تدریجی و تقلیدی شده و از انگیزه R&D در فناوری‌های بنیادی و اساسی می‌کاهد [۵] و این روشی است که در نظام مالکیت صنعتی ژاپن تا قبل از ۱۹۷۵ به کار گرفته شد. تا قبل از ۱۹۷۵، هر درخواست می‌بایست حاوی فقط یک ادعا باشد. لزوم تک ادعایی، باعث شد که بنگاه‌های ژاپنی ساده‌تر بتوانند حول اختراع اصلی، اختراعات و بهبودهای کوچک

داشته باشند. تک ادعایی باعث می‌شد حفاظت بخش‌های مختلف و کل یک اختراع اساسی مشکل باشد [۱]. به عبارتی نظام تک ادعایی محدودده تحت حفاظت اختراع اصلی را کوچکتر می‌کرد و پیروها راحت‌تر می‌توانستند از آن تعدی کنند. این رویه باعث ثبت خوشه‌ای^۲ چندین درخواست پتنت می‌شد. هر اختراع اساسی، ثبت هزارها درخواست توأم را در پی داشت و مخترع اصلی مجبور به ارائه لیسانس به بنگاه‌هایی که اختراعات کوچک حول اختراع وی قرار داشتند می‌شد. از طرفی لیسانس متقابل نیز بین مخترعینی که اغلب حول اختراع اصلی، کاربردهایی را توسعه داده بودند و ادعای تقابل اختراعات را داشتند تشویق می‌شد [۵].

در ۱۹۷۵، قانون مالکیت صنعتی ژاپن با حذف لزوم یک ادعا در هر درخواست، اصلاح شد. از اواسط دهه ۹۰ نظام بازداری از تخلف تقویت شد. محاسبه جبران خسارت تصحیح شد و مفهوم هزینه فرصت از دست رفته در احکام حقوقی وارد شد. در ۱۹۹۸ پایه میزان خسارت بر اساس فروش انجام شده توسط متخلف و نرخ سود صاحب پتنت قرار گرفت و در تعیین میزان رویالتی که تا پیش از آن بر پایه نرخ متعارف تعیین می‌شد نیز تغییراتی صورت گرفت و کلمه متعارف از ماده مربوط به خسارت رویالتی حذف شد [۱].

اعتراض قبل از اعطاء در مقابل بعد از اعطاء

در نظام مالکیت صنعتی ژاپن طی مدت تعلیق (انتظار برای بررسی و آزمون و اعلام نتیجه)، رقبا اجازه داشتند که اطلاعات منتشر شده را بررسی و به آن بر پایه ضوابط بدیع بودن، بدیهی نبودن

1. Monopoly
2. Cluster filing

بنگاه‌های بزرگ ژاپنی بود و صاحبان پتنت‌های اصلی و بنگاه‌های کوچک متضرر می‌شدند.

صدر مجوز اجباری

در نظام‌های مالکیت صنعتی، صدر مجوز اجباری معمولاً زمانی انجام می‌شود که دارنده پتنت از حقی که به او تعلق گرفته است سوء استفاده کند و یا زمانی که منافع عمومی اقتضاء کند، سوء استفاده از پتنت ممکن است به صورت عدم عرضه کافی محصول، تعیین نرخ رویالتی بسیار سنگین و غیرمعمول و نظایر آن اتفاق بیافتد. گاهی نیز منفعت جمعی و گاهی شرایط اضطرار ایجاب می‌کند که محصول مورد حمایت بدون اجازه صاحب پتنت و در ازای عوض عادلانه در اختیار دیگران قرار گیرد [۱۴]. مطابق ماده ۹۲ قانون مالکیت صنعتی ژاپن، بنگاه متقاضی لیسانس، در صورتی که نرخ رویالتی بالا بود و یا دارنده پتنت از دادن لیسانس خودداری می‌کرد، می‌توانست از دولت درخواست مداخله کند. تهدید دخالت دولت خود اثر کاهش نرخ لیسانس را به همراه داشت و عملاً حتی یک مورد صدر مجوز اجباری هم وجود نداشت [۱]. با این وجود در ۱۹۹۴ مطابق با توافقنامه ژاپن و آمریکا، ژاپن متعهد شد تا صدر مجوز اجباری در این کشور فقط با اهداف "مقابله با اعمال ضد رقابتی" یا "منفعت عمومی" صورت گیرد.

کیفیت آزمون

حفاظت از اختراعات غیرکیفی ارزش پتنت را کاهش می‌دهند و در این صورت نظام حفاظت از مالکیت صنعتی قادر به رسیدن به اهداف خود

یک تا سه سال بود در حالی که برای بنگاه خارجی ۷ تا ۸ سال به طول می‌کشید. اگر این تأخیر زمانی را با فرایند افشاء عمومی و استفاده از کاربرد مدل سودمند و همچنین امکان طولانی کردن زمان تعلیق از طریق اعتراض پیش از اعطاء ترکیب کنیم، متوجه کوتاه بودن زمان حفاظت از پتنت مخصوصاً برای اختراعات خارجی می‌شویم.

اولین ثبت در مقابل اولین اختراع

اولین قانون انحصار پتنت در ژاپن که در سال ۱۸۸۵ به تصویب رسید، به تقلید از قوانین فرانسه و آمریکا رویکرد "اولین اختراع" را دنبال می‌کرد. در سال ۱۹۲۱، رویکرد ژاپن در اعطاء پتنت به اولین ثبت^۴ تغییر کرد. این تغییر رویکرد در قانون باعث شد ثبت اختراع تسریع و افشاء تحریک شود. بنگاه‌هایی که زودتر اختراع را ثبت می‌کردند، از قانون حق تقدم بهره‌مند می‌شدند. مطابق با ماده ۱۷ قانون مالکیت صنعتی ژاپن، بنگاه‌ها آزاد بودند که درخواست را طی ۱۵ ماه بعد از ثبت (قبل از افشاء عمومی) اصلاح کنند. تا قبل از ۱۹۷۵ که الزام تک ادعایی در هر درخواست وجود داشت احتمال تشابه بین ادعاها در مدل‌های سودمند زیاد بود و مطابق با ماده ۳۹ بخش ۲ قانون، در صورتی که دو یا چند درخواست مشابه همزمان ثبت می‌شد، مخترعان لازم بود با یکدیگر توافق کنند که کدام یک پتنت بگیرند و در صورت عدم توافق به هیچکدام پتنت اعطا نمی‌شد. معمولاً بنگاه‌ها متوسل به اخذ لیسانس و یا توافق می‌شدند و از تقابل و اعتراض پرهیز می‌کردند [۵]. این قانون به نفع

و قابلیت صنعتی اعتراض کنند. مخترع فقط چند ماه فرصت داشت تا به اعتراض، پاسخ کافی دهد و در غیر این صورت درخواست مردود اعلام می‌شد. برخی عقیده دارند این رویه، مشخصاً پتنت‌های خارجی را نشانه گرفته بود [۶]. این اقدام اعتراضی، هم برای درخواست کننده پتنت پرهزینه بود و هم می‌توانست زمان تعلیق (آزمون) را افزایش دهد. هر دو مورد، کاهش ارزش پتنت را به دنبال داشت. بنگاه‌های بزرگ ژاپن پرسنلی کارآموده در اختیار داشتند که متخصص در اعتراض قبل از اعطاء پتنت بودند و این مزیتی برای آنها در موافقتنامه‌های لیسانس به حساب می‌آمد [۵]. نظام اعتراض قبل از اعطاء اگر چه ساز و کاری برای افزودن اطلاعات Prior Art بود ولی دست رقیبان را برای اعتراض، تعویق و کاهش ارزش پتنت باز می‌گذاشت.

در ۱۹۹۴، ژاپن طی توافقنامه‌ای با آمریکا متعهد به اصلاح سیستم اعتراض "قبل از اعطاء" به "بعد از اعطاء" شد و در ۱۹۹۶ به تعهد خود عمل کرد. نظام اعتراض بعد از اعطاء نیز در سال ۲۰۰۴ لغو و نظام جدیدی از سنجش اعتبار جایگزین آن شد.

طول مدت حفاظت از پتنت

تا سال ۱۹۶۰ مدت حفاظت از پتنت ۱۵ سال از زمان انتشار بود و در سال ۱۹۶۰ این مدت به ۲۰ سال از زمان ثبت تغییر کرد. کوتاه‌آ عقیده دارد ژاپن در مورد متقاضیان خارجی، از طریق دوره تعلیق طولانی‌تر تبعیض قائل می‌شده است [۶]. بنا بر مطالعات وی فاصله زمانی بین ثبت درخواست و اعطاء پتنت برای بنگاه‌های ژاپنی

1. Pre-Grant
2. Post-Grant
3. Kotabe

4. First-to-Invent
5. First-to-File

یعنی پیشبرد نوآوری و تجاری‌سازی تحقیقات نخواهد بود. اطمینان از کیفیت بالای پتنت در ارزش‌گذاری آن بسیار اهمیت دارد. معمولاً نرخ اعطاء پتنت^۱، شاخصی برای سخت بودن استاندارد آزمون ماهوی است.

از ۱۹۹۴ مدل‌های سودمند مورد آزمون ماهوی قرار نگرفتند. در اواخر دهه ۹۰، نرخ اعطاء پتنت ژاپن بیش از ۶۰٪ بود. این نرخ در ۲۰۰۳ به ۵۰/۵٪ کاهش یافت و این به معنای سخت‌تر شدن استانداردهای آزمون ماهوی درخواست‌ها است. بخشی از این سخت‌گیری به دلیل درخواست‌ها و فشار صنعت ژاپن برای بالا بردن کیفیت پتنت‌ها بود که بالا رفتن ارزش آنها را به دنبال داشت و بخشی به دلیل بالا رفتن تعداد درخواست‌ها ناشی از ظهور حوزه‌های جدید فناوری نظیر نانوفناوری و بیوفناوری همراه با پیچیده‌تر شدن اختراعات و البته کاهش مهلت درخواست آزمون از ۷ سال (۱۹۷۱) به ۳ سال (۲۰۰۱) بود. موارد اخیر باعث شد بر ظرفیت آزمون در اداره مالکیت صنعتی ژاپن فشار زیادی وارد آید به نحوی که میانگین زمان انتظار درخواست از ۱۹ ماه در ۱۹۹۸ به ۲۶ ماه در ۲۰۰۴ برسد. این فشار می‌توانست منجر به کاهش کیفیت آزمون‌ها شود. لذا باید به نحوی درخواست‌ها کاهش می‌یافتند. سخت‌تر شدن آزمون‌ها، برون‌سپاری جستجو و ردیابی و افزایش هزینه‌های آزمون روش‌هایی است که ژاپن برای کاهش تعداد درخواست‌ها و افزایش کیفیت آزمون در پیش گرفت [۱].

علاوه بر روش‌های فوق، مجدداً از اصلاح قانون مدل‌های سودمند استفاده شد. همان‌طور که

ذکر شد لزوم آزمون ماهوی برای اینگونه درخواست‌ها از ۱۹۹۴ حذف شده بود و مدت حفاظت از آنها نیز به ۶ سال کاهش یافته بود. این امر خود موجب کاهش بار آزمون و البته کاهش شدید تعداد درخواست پتنت مدل سودمند شده بود. به طوری که تعداد درخواست‌ها از ۷۷۰۰۰ مورد در سال ۱۹۹۳ به نزدیک به ۸۰۰۰ در سال ۲۰۰۴ رسید. لیکن دولت ژاپن مدت حفاظت از این مدل‌ها را در سال ۲۰۰۵ مجدداً افزایش داد و به ۱۰ سال رساند و علاوه بر آن، تغییر درخواست از پتنت استاندارد به مدل سودمند و بالعکس را امکان‌پذیر کرد. این مانور باعث می‌شود که درخواست کننده بتواند محتاط‌تر عمل کرده و بتواند با استفاده از مجوز مدل سودمند از درخواست آزمون ماهوی در سه سال اول شانه خالی کند. لازم به ذکر است امکان اصلاح درخواست همزمان با درخواست آزمون برای متقاضیان وجود دارد. مطالعات نشان می‌دهد که نیمی از درخواست کنندگان هیچگاه درخواست آزمون نمی‌کنند و دو سوم درخواست‌های آزمون نیز طی سال‌های چهارم تا هفتم پس از ثبت صورت می‌گیرد. هنوز ارزیابی از میزان تأثیر این سیاست صورت نگرفته است [۱].

جمع‌بندی و توصیه‌هایی برای ایران

مطالعه موردی نظام مالکیت صنعتی ژاپن، نشان دهنده استفاده ابزاری راهبردی و موفق از حقوق مالکیت فکری در جهت توسعه اقتصادی یک کشور است. حفاظت از پتنت برای مخترع به معنای سلب دیگران از تعرض به حقوق وی و نیز فراهم آمدن امکان کسب درآمد و

تجاری‌سازی اختراع وی است و برای دولت به معنای افشا و انتشار دانش تولید شده توسط اختراع و در اختیار عموم گذاردن آن، به نیت پیشبرد نوآوری است.

در مباحث نظری نوآوری، دو رویکرد اساسی وجود دارد که در هر دو رویکرد، نظام مالکیت فکری جایگاه مهمی دارد. در رویکرد اول که نگاه خطی به نوآوری است، نقطه عزیمت نوآوری، فعالیت تحقیق و توسعه است. دانش علمی تولید شده در فعالیت تحقیق و توسعه، فناوری جدید را به وجود می‌آورد و فناوری نیز نیاز بازار را برآورده می‌کند. از این رو آنچه اهمیت دارد تشویق به انجام R&D است. از آنجا که این نوع فعالیت‌ها پرهزینه و زمان‌بر هستند و به محض ورود به بازار قابل تقلید می‌باشند، سرمایه‌گذاری در آنها از ریسک بالایی برخوردار است و دولت موظف به کاهش این ریسک است. حفاظت و اعطای حقوق انحصاری به مخترع و ضمانت اجرایی مقابله با تعرض و تخلف، در کاهش این ریسک مؤثر است. این اقدام همراه با سایر سیاست‌های مکمل نظیر تأمین تسهیلات مالی، معافیت‌ها و نظایر آن، افزایش فعالیت‌های تحقیق و توسعه و بالتبع آن توسعه اقتصادی را به همراه خواهد داشت. در این نگاه، نوآوری‌های رادیکال و اختراعات اساسی به شدت مورد حمایت هستند اگر چه در بسیاری مواقع نیز پژوهش بنیادی منجر به نوآوری و ارائه محصول به بازار نمی‌شود [۱۵]. از این دیدگاه، افشا و انتشار دانش تولید شده برای کاهش هزینه‌های R&D و جلوگیری از پروژه‌های تکراری و ضمانت برگشت سرمایه ضروری است.

۱- نرخ اعطاء پتنت = نسبت پتنت‌های اعطاء شده به اعطاء شده و رد شده و صرف‌نظر شده

وجود راهبرد مشخص ثبت مالکیت فکری در ایران باعث شده تا این اقدام فاقد دو کارکرد بسیار مهم انتشار (نیاز جامعه) و ارزش اقتصادی (یکی از نیازهای مخترع یا صاحب دارایی فکری) بوده و در عمل نتواند آنگونه که انتظار می‌رود در توسعه علم، فناوری و نوآوری ایران نقش ایفا کند و به بیانی دیگر ابزار سیاستی حقوق مالکیت صنعتی در ایران تبدیل به ابزاری کم تأثیر شده است.

به نظر می‌رسد نظام مالکیت صنعتی در ایران تنها توجه به حفاظت از اختراعات داشته در حالی که ایران کشوری در حال توسعه است که از جایگاه مناسب فناوری در جهان نیز برخوردار نیست. لذا باید از تمام توان خود برای کاهش فاصله دانشی خود استفاده نماید و در طراحی کلیه نظام‌های درگیر در فرایند توسعه نوآوری از جمله نظام مالکیت صنعتی خود، راهبرد مشخص و هدف‌گذاری صحیحی داشته باشد. تجربه ژاپن نشان می‌دهد که افشاء و انتشار اطلاعات درخواست‌های کسب پتنت از طریق رسانه‌های عمومی نظیر وب سایت اداره مالکیت صنعتی، حتی در مراحل قبل از اعطاء و وجود نظامی ترکیبی از پتنت‌های استاندارد همراه با آزمون ماهوی و اختراعات کوچک بدون آزمون ماهوی می‌تواند کمک مؤثری در ارتقاء توانمندی بنگاه‌ها و اثربخشی این ابزار سیاستی در پیشبرد نوآوری در کشور باشد.

قوانین مالکیت فکری در ژاپن بیش از آنکه حفاظت از اختراعات باشد، انتشار نوآوری بود [۱۳].

آنچه از تحلیل تحولات و توسعه نظام مالکیت صنعتی ژاپن می‌توان در رابطه با ایران آموخت، لزوم وجود راهبرد مالکیت فکری در کشور است. در ایران اگر چه قانون مالکیت صنعتی قدمتی هشتاد ساله دارد، لیکن به نظر می‌رسد این قانون هنوز جایگاه خود را به عنوان فرصتی برای ارتقاء شایستگی‌ها و قابلیت‌های فناوری و نوآوری در بنگاه‌های ایران نیافته است. تعداد کم درخواست‌های پتنت و پتنت‌های اعطا شده خود مؤید این موضوع است [۱۸]. نگاهی کوتاه به شیوه اعطای پتنت در ایران به سادگی گویای دلایل این عدم موفقیت است. اعطای اعلامی پتنت که بیش از هشتاد سال شیوه غالب در ایران بوده است، ارزش اقتصادی پتنت را به شدت کاهش داده است. اخیراً امکان آزمون ماهوی فراهم شده است اما از آنجا که این شیوه فقط برای معدودی از پتنت‌ها و آن هم در صورت درخواست مالک اختراع، در پیش گرفته می‌شود، عدم اطمینان نسبت به عملکرد مطلوب دانش فنی اعلامی افزایش یافته و راهبرد تجزیه و تحلیل پتنت‌های داخلی از مجموعه راهبردهای جستجوی دانش فنی در بنگاه‌های ایران حذف می‌شود. از سویی جزئیات مربوط به اختراعات در ایران از طریق رسانه عمومی منتشر نمی‌شود و متن قانون در چگونگی افشاء دارای ابهام است و افشاء از طریق روزنامه رسمی منحصر به ذکر نام نوآوری و نام مدعی آن است که قاعدتاً نمی‌تواند منجر به یادگیری فناورانه شود. به عبارتی عدم

در رویکرد دوم، نگاه به نوآوری، نگاهی سیستمی است. نوآوری فعلیتی فراگیر است که در انزوا صورت نمی‌گیرد. نوآوری فرایند ایجاد ارزش جدید از طریق دانش است و آنچه موجب گسترش آن می‌شود، تعاملات بین عناصر مختلف فرایند نوآوری، نظیر بنگاه‌ها و نهادهای مؤثر بر توسعه، انتشار و کاربرد دانش است [۱۶، ۱۷]. در نتیجه تأکید فراوانی بر افشاء و انتشار دانش تولید شده در فرایند نوآوری می‌شود و نظام مالکیت فکری نقش مؤثری در این انتشار دارد. افشاء دانش ایجاد شده موجب ارتقاء شایستگی بنگاه‌ها شده و نوآوری را تقویت می‌کند. باید توجه داشت که اصولاً تعداد کمی از بنگاه‌ها به نوآوری رادیکال می‌پردازند و شکی نیست که این بنگاه‌های پیشرو به دلیل ایجاد فرصت‌های مبتنی بر فناوری نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصادی بازی می‌کنند. اما در پی این بنگاه‌های پیشرو، تعداد زیادی از دنباله‌روها^۱ و انبوهی از دیرآمدگان^۲ قرار دارند. دنباله‌روها برای نوآوری‌ها کاربردهای جدید پیدا می‌کنند. اما دیرآمدگان مانند گروه‌های قبلی مستقیماً در کل فرایند نوآوری شرکت ندارند و این به دلیل محدودیت شایستگی‌های آنها است که جذب و بکارگیری فناوری‌های جدید را برای آنها مشکل می‌سازد [۱۷]. در کشورهای در حال توسعه محدودیت شایستگی بسیار شدیدتر است و لذا ساخت شایستگی^۳ اهمیت ویژه‌ای دارد. ژاپن در اوایل قرن بیستم از چنین موقعیتی برخوردار بود و لذا تلاش کرد تا با استفاده از راهبردهای مناسب به ساخت شایستگی و ارتقاء دنباله‌روها به پیشروان پرداخته و دیرآمدگان را به دنباله‌رو تبدیل کند. در این دوران، هدف از

1. Early Followers
2. Late Followers
3. Competence Building

References

1. Nagaoka, S., Reform of Patent System in Japan and Challenges, in 21st Century Innovation Systems for Japan and the United States: Lessons from a Decade of Change-Report of a Symposium, S. Nagaoka, et al., Editors. 2009, National Academies Press: Washington, D.C. p. 153-168.
2. Sadeghi, M. and Mahmoudi, A., Interaction and Co-Existence of Intellectual Property Rights Licence Contracts and Competition Law. Iranian Journal of Trade Studies (IJTS), 2007, 11(43): p.249-282 (in persian).
3. OECD, Patents and Innovation: Trends and Policy Challenges. 2004, OECD.
4. Kumar, N., Intellectual Property Rights, Technology and Economic Development: Experiences of Asian Countries. 2003, Commission on Intellectual Property Rights.
5. Maskus, K.E. and C. McDaniel, Impacts of the Japanese Patent System on Productivity Growth. 1998, Japan-United States Friendship Commission.
6. Kotabe, M., A comparative study of U.S. and Japanese patent systems. Journal of International Business Studies, 1992. 23: p. 147-168.
7. Motohashi, K., Japan's Patent System and Business Innovation: Reassessing Pro-patent Policies, in OECD conference on IPR, Innovation and Economic Performance. 2003, OECD.
8. Odagiri, H. and A. Goto, The Japanese System of Innovation: Past, Present, and Future, in National Innovation Systems: A Comparative Analysis, R.R. Nelson, Editor. 1993, Oxford University Press: New York. p. 76-114.
9. Intellectual Property Strategic Program 2003, I.P.S. Headquarters, Editor. 2003, Intellectual Property Strategy Headquarters: Japan.
10. Intellectual Property Basic Act. 2003, The Government of Japan.
11. Takenaka, T., Success or Failure? Japan's National Strategy on Intellectual Property and Evaluation of its Impact from the Comparative Law Perspective. Washington University Global Studies Law Review, 2009. 8(379): p. 379-398.
12. Hayashi, S., Main Changes of Japanese Patent System and Important Decisions - In Chronological Order from 1960. AIPPI Journal, 2002. 27(5).
13. Lechevalier, S., Recent Changes in the Japanese Public Research & Innovation Policies - Lessons for Europe -. 2006, European Union - Delegation of the European Commission to Japan: Tokyo, Japan.
14. Sadeghi, M. and Khakpour, M., Grounds for Granting Compulsory Licensing of Intellectual Property Rights, Modarres Human Sciences, 2008. 11(4): p.131-164. (in persian)
15. Jensen, M.B., et al., Forms of knowledge and modes of innovation. Research Policy, 2007. 36(5): p. 680-693.
16. Edquist, C., Systems of Innovation for Development (SID), in Background paper for the UNIDO World Industrial Development Report (WIDR). 2001, United Nations Industrial Development Organization (UNIDO).
17. Lundvall, B.Å., National innovation systems - Analytical concept and development tool, in DRUID Tenth Anniversary Summer Conference 2005 on Dynamics of Industry and Innovation: Organizations, Networks and Systems. 2005: Copenhagen, Denmark.
18. Goudarzi, M. and Bagheri S.K., Iranian Intellectual Property System, Roshd-e-Fanavari, 2006. 2(6): p.16-24 (in persian).